گزارش

درپی توقیف نفت‌کش انگلیسی توسط سپاه اتفاق افتاد

تماس تلفنی وزیران خارجه ایران و بریتانیا

روح‌اله نخعی

● در پی توقیف یک نفت‌کش انگلیسی توسط نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، وزیر امور خارجه انگلیس در تماسی تلفنی با وزیر امور خارجه ایران گفت‌وگو کرد. به گزارش اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، در این گفت‌وگو، محمدجواد ظریف تاکید کرد برخلاف اقدام غیرقانونی انگلیس در توقیف کشتی حامل نفت ایران، اقدام ایران بر اساس درخواست سازمان بنادر و کشتیرانی با توجه به تخلف کشتی انگلیسی از مقررات صورت گرفته است و باید از مجاری حقوقی و قانونی پیگیری شود. طرفین در این گفت‌وگو بر یافتن راه‌حل‌های قانونی و پرهیز از افزایش تنش تاکید کردند. جرمی هانت نیز در حساب توییتر خود درباره این تماس توضیح داد: «در گفت‌وگو با وزیر خارجه ظریف، یأس خود را ابراز کردم، از اینکه (او) یکشنبه گذشته به من اطمینان داد ایران خواهان کاهش تنش‌هاست اما اکنون برخلاف آن عمل کرده است». هانت افزود: اگر به دنبال راه‌حل هستیم، باید دست به عمل بزنیم، نه حرف. کشتیرانی انگلیس باید مورد محافظت قرار گیرد و چنین نیز خواهد شد».در آخرین ساعات روز جمعه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای از توقیف یک فروند نفت‌کش انگلیسی در تنگه هرمز خبر داد. به گزارش ایرنا، در این اطلاعیه روابط‌عمومی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آمده است: «نفت‌کش انگلیسی با نام «استنا ایمپرنو»، «به علت رعایت‌نکردن قوانین و مقررات بین‌المللی دریایی بنا به درخواست سازمان بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، توسط یگان شناوری منطقه یکم نیروی دریایی سپاه توقیف شد.» این اطلاعیه می‌افزاید: «نفتکش مذکور پس از توقیف به ساحل هدایت و برای سیر مراحل قانونی و بررسی‌های لازم تحویل سازمان بنادر و دریانوردی شد».اله‌مراد عفیفی‌پور، مدیر کل بنادر و دریانوردی استان هرمزگان، در گفت‌وگو با ایلنا، گفت این کشتی با ردیاب خاموش حرکت می‌کرده است، به تماس‌ها پاسخ نمی‌داده و به هشدارها توجهی نمی‌کرده است: «این اقدامات می‌توانست به حادثه در آب‌های کشورمان منجر شود.» عفیفی‌پور ظهر شنبه نیز اعلام کرد بررسی‌های کارشناسی مربوط به نقض قوانین بین‌المللی دریانوردی به وسیله این نفت‌کش آغاز شده است. او گفت: «از ۲۳ نفر خدمه این شناور، ملیت ۱۸ نفر هندی و پنج نفر دیگر از کشورهای روسیه، فیلیپین و لتونی است».در واکنشی به انتشار این خبر، ظریف، در حساب توییتر خود نوشت: «همان‌طور که در نیویورک گفتم، این ایران است که امنیت تنگه هرمز و خلیج فارس را تأمین می‌کند. انگلیس شراکت با آمریکا در تروریسم اقتصادی را متوقف کند».دولت انگلیس عصر جمعه نشست کمیته اضطراری خود موسوم به «کبرا» را تشکیل داد؛ اما اسکای‌نیوز گزارش داد ترزا می، نخست‌وزیر انگلیس، در این نشست شرکت نکرده است. همچنین وزارت امور خارجه انگلیس روز شنبه کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن را به دلیل توقیف نفت‌کش این کشور در تنگه هرمز به وسیله نیروهای ایرانی احضار کرد.

آلمان و فرانسه: آزاد شود؛ روسیه: نگران نیستیم

رهبران کشورهای دیگر نیز به این اتفاق واکنش‌هایی داشتند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، در واکنش به این خبر گفت با مقامات لندن در این‌باره صحبت خواهد کرد. از سوی دیگر، الجزیره خبر داد ترامپ با امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در این‌باره تلفنی صحبت کرده است. آلمان و فرانسه در بیانیه‌های جداگانه‌ای، خواستار آزادی سریع نفت‌کش انگلیسی شدند. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، نیز با تأکید بر ضرورت احترام به قوانین و وظایف دریانوری، خواستار خویشتن‌داری طرف‌ها در منطقه خلیج فارس شد.اما روسیه در موضعی متفاوت اعلام کرد درباره خدمه روس این کشتی نگرانی ندارد و با ایران در ارتباط است. سرگئی فیشوف، هماهنگ‌کننده امور فدراسیون بین‌المللی کارکنان حمل‌ونقل در روسیه، با توجه به روابط خوب ایران و روسیه، گفت کشورش درباره خدمه روس نگرانی ندارد و گمان می‌کند به‌زودی آزاد خواهند شد. در این‌باره، یکی از نمایندگان سفارت روسیه در ایران نیز گفت: «درباره شهروندان روسی حاضر در نفت‌کش توقیف‌شده با طرف ایرانی در ارتباط هستیم». همچنین به گزارش ایلنا، کنستانتین کوساشف، رئیس شورای فدراسیون بین‌المللی کمیته خارجی روسیه، گفت ایالات متحده از وضعیت پرتنش تنگه هرمز به سود خود استفاده می‌کند تا حضور نظامی‌اش را در منطقه تحکیم بخشد.سیزدهم تیرماه امسال، نفت‌کش «گریس ۱»، حامل نفت ایران در جبل‌الطارق از سوی بریتانیا توقیف شده بود. بریتانیا مدعی شد این کشتی به علت نقض تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه توقیف شده است اما کارشناسان حقوقی می‌گویند کشورهایی که عضو اتحادیه اروپا نیستند، ملزم به تبعیت از تصمیمات این نهاد نیستند. اسپانیا اعلام کرده بود توقیف این نفت‌کش به خواست آمریکا انجام شده است.

از پرشیا تا شهرزاد قصه‌گو

ادامه از صفحه ۶

راه برون‌رفت از این وضعیت و استفاده از این حلقه پیچیده تمدنی چیست؟

تصور کنید می‌خواهیم به اروپایی‌ها بگوییم ما همان پرشیایی هستیم که طی تحولات مدرنیته، «ایران» شد. باید چه‌کار کنیم؟ یا به محیط عربی بگوییم ایران، هزارویک‌شب نیست. تو نشناخته‌ای و درباره‌اش قصه‌پردازانه اندیشیده‌ای. تو سعی نکرده‌ای شناخت ایجاد کنی. بیا شناخت را افزایش بده. درباره مردمی که ما را قهرمان می‌دانند، قهرمان را نباید فیزیکی بدانند. دو نوع قهرمان داریم؛ قهرمانی رستم در اسطوره‌مان و پوریای ولی. رستم قهرمانی بود که همه را شکست می‌داد و پادشاهی ایران قبل از اسلام به بازوی رستم وصل بود. اما پهلوان دیگری هم داریم که ناشناخته است و معلوم نیست همان رستم اسطوره است یا واقعیت است. پهلوان محمود پوریای ولی. دارای صفات مردانگی و عیاری، از خودگذشتگی و قهرمانی. ما باید این‌گونه خود را قهرمان نشان دهیم. ما باید منش و اثر قهرمانانه را بین ملت‌ها حفظ کنیم که در این صورت هم هزینه‌ای نداریم و هم به اسطوره تبدیل شده‌ایم. مردمی که در آفریقای سیاه هستند برای مبارزه و بقایشان اسطوره می‌خواهند. به عنوان کارگزار فرهنگی معتقدم اگر نگرش را عوض کنیم و بتوانیم بر اساس واقعیت‌ها، تعریف‌های تازه‌ای از خودمان بدهیم، عمده مسائل حل می‌شود و به روان‌شدن عملکرد سیاست خارجی و مقبولیت جهانی ما کمک می‌کند.

بردیپلماسی علاوه بر بازی سیاست، مناسبات اقتصادی هم تأثیر می‌گذارد. شاید بهتر است بگوییم مناسبات اقتصادی است که تعیین می‌کند در دیپلماسی با کدام کشور و تمدن بیشتر ارتباط داشته باشیم. اگر بخواهیم مسیر اقتصادی این بخش را هم ببینیم، آیا می‌توانیم در منطقه خودکفا باشیم و ارتباطات اقتصادی می‌تواند در منطقه، وضعیت کشورها را بهبود بخشد؟

مطالعه جاده ابریشم به ما پیام می‌دهد. ما در جاده ابریشم بخشی از مسیر ورود و خروج بودیم؛ هم مسیر دریایی و هم مسیر خشکی، هم ورود و هم خروج. یعنی تبادل اتفاق می‌افتاد؛ آن هم به دلیل جغرافیای طبیعی ایران بود. از طریق کشتی و بلم‌های ساده‌ای که مردمان سواحل جنوبی ما داشتند، کالا تا شرق آفریقا و شبه‌قاره می‌رفت؛ از منتهی‌الیه شرق آن زمان پکن یا خانبالیغ تا غرب اروپا، در ونیز. این تجارت فقط زمینه انتقال کالا را میسر نمی‌کرد، فرهنگ جابه‌جا می‌شد. راه جابه‌جایی هم تحمل و تسامح بود. آیا این تجربه می‌تواند الگوی درون منطقه‌ای به ما به لحاظ اقتصادی دهد که ما از آن ظرفیت هم منتفع شویم، به نظرم آری، مطالعه دوران رونق جاده ابریشم این را برای ما عیان می‌کند که ما مزیت بزرگ «راه» را داریم، اما سعی نکردیم با بهبود قوانین و ساده‌سازی، ایجاد زیرساخت و تسهیلات از آن استفاده کنیم. همه اتصالات منطقه از طریق این راه بوده است. باید از مسیرهایمان خوب استفاده کنیم، قبل از اسلام ما به راه شاهی داشتن معروف بودیم و بعدا رومی‌ها بر اساس الگوی ما از ایده «همه جاده‌ها به رم ختم می‌شود» اقتباس کردند. نکته دوم؛ چیزی که ما ابداع کردیم، سیستم پست و چاپار است. ما در مسئله انتقال داده و اطلاعات در دنیای امروز هم از موقعیت ممتاز جغرافیایی و فناوری برخورداریم که اگر بتوانیم در منطقه خودمان هاب شویم، ببینید چقدر دیتا در اطراف ما جابه‌جا می‌شود. این یکی دیگر از مزیت‌های ذاتی ماست. مسئله بعدی شبکه‌هایی است که می‌توانیم برقرار کنیم. یقینا شبکه انرژی ما در تعامل با منطقه مشکلاتش را حل می‌کند. برای ما مقرون به صرفه نیست که در غرب کشور گاز را از جنوب ببریم یا از جنوب به شمال بفرستیم. اگر بتوانیم از عراق و ترکمنستان و جمهوری آذربایجان بگیریم و در عین حال تمرکزمان را بر حوزه‌هایی بگذاریم که بیشتر ظرفیت دارد، عایدی بیشتری داریم و به اقتصاد درون منطقه‌ای کمک و ارتباطات را با آنها برقرار کرده‌ایم. الان آمریکا باوجود تحریم نمی‌تواند افغانستان را بدون چابهار و عراق را بدون گاز و برق ما ببیند. گاهی به این موارد اندیشیده‌ایم، گاهی تجربه کرده و گاهی هم رها کرده‌ایم چون دوست داشتیم خیلی زود مدرن شویم و ارتقا پیدا کنیم. کتاب خاطرات مهذب‌الدوله، سیدباقر کاظمی، را مشاهده کنید. ایشان یک دوره وزیر طرق و شوارع و چهار دوره وزیر خارجه بوده که خاطراتش را نوشته است. وقتی صحبت می‌کند، به همه روستاهای مرزی و منطقه عراق و افغانستان و پاکستان سفر کرده و به جزئیات درباره این مناطق صحبت می‌کند. کدام یک از وزیران و مقامات عالی ما این‌گونه شناخت عمیق در منطقه دارند که بتوانند درباره‌اش بنویسند؟ خیلی از شرکت‌های بزرگ و اتوبان‌های فوق‌العاده را در کشورهای دیگر دیده‌ایم اما در منطقه خودمان حرکت نکرده‌ایم. اگر چرخش اقتصاد ما با منطقه عجین شود، نظم و ضرباهنگی که پیدا می‌کند هم ما را به حرکت درمی‌آورد و هم دیگران را در مدار ما قرار می‌دهد. دو مثال می‌زنم؛ ترامپ روزی که تحریم را وضع می‌کند، یک جا را از تحریم خارج می‌کند مثل چابهار. چون ظرفیت منطقه به او این اجازه را نمی‌دهد. پمپئو در آستانه آنچه ممکن است شبیه شرایط درگیری باشد، عراق را معاف می‌کند، چرا این معافیت را به چین و کره نمی‌دهد؟ همچنان که گفته شد ناچار است به عراق و افغانستان این معافیت را بدهد. این نشان می‌دهد اگر اقتصاد ما ارتباطش با منطقه برقرار شده بود، هیچ‌وقت تحریم اتفاق نمی‌افتاد. کعبه اقتصادی ما فرامنطقه خودمان بود و می‌خواستیم تکنولوژی وارد کنیم. تکنولوژی خوب است اما همه چیز نیست. باید ببینیم چه ظرفیت‌های زیرساختی برایمان وجود داشت. از جغرافیایی که داشتیم، استفاده نکردیم. باور دارم نه فقط به لحاظ فرهنگی و سیاسی منطقه برای ما مهم‌ترین اولویت است، حتی به لحاظ اقتصادی هم همین‌طور است. این دو شاهد مثال (چابهار و عراق که مشمول تحریم‌ها نیستند) نشان می‌دهد آمریکا هم با همه قدرتی که می‌خواهد ما را خفه کند، در رابطه با منطقه قدرتش ناقص است.

نگرانی آمریکا درباره عراق چیست؟ نگران از هم پاشیده‌شدن عراق است؟

بله، نگران فروپاشی دولت عراق است.

که مسئله حاد جدیدی در منطقه رخ ندهد؟

تجربه دولت عراق عجیب است. این بار اگر دولت عراق از هم پاشیده شود، دیگر عراقی وجود نخواهد داشت و سهم عراق توزیع خواهد شد. این خیلی برای غربی‌ها دردناک است. اگر این اتفاق بیفتد، مسائل دومینووار در عمق شمال آفریقا هم توسعه پیدا می‌کند، لیبی هم به سه کشور تجزیه می‌شود. منطقه طوارق در جنوب برای خودش استقلال پیدا می‌کند. بنغازی از طرابلس جدا می‌شود و نقشش هم عوض می‌شود. مصر و سودان هم دچار این مشکل می‌شوند. این به هم‌خوردن ناگهانی است. ما می‌گوییم اروپا و غرب دنبال تجزیه منطقه هستند، درست است اما دنبال فروپاشی منطقه نیستند. بین فروپاشی و تجزیه خیلی فرق است. آنها دوست دارند منطقه را آن‌طور که می‌خواهند ترسیم کنند نه اینکه با بحران روبه‌رو شوند. به قول خودشان می‌خواهند معامله بزرگ قرن انجام شود برای اینکه معامله شود، قرار نیست شوک وارد شود. اگر این شوک بیاید برایشان آسیب‌پذیر است به همین دلیل آمریکا نمی‌خواهد دولت عراق فروبپاشد. اعتراضات نسبت به دولت عراق با از دست‌دادن امکانات رفاهی همچون برق، منابع انرژی، نیازهای اولیه مثل سیمان و گچ و مواد لبنی شروع می‌شود؛ نیازهایی که از آسمان نمی‌آید و در تداوم با منطقه حاصل می‌شود. عراق نیاز نداشت برای چند کیلومتر خاک در کنار خلیج فارس، کویت را اشغال کند یا با ایران بجنگد. تنگنایی که عراق در دسترسی با آب‌های آزاد دارد، یکی از موانع بزرگ موجود این کشور است و آمریکا ناچار است این را باور کند. ما هم باید به‌نوعی دیگر این را باور کنیم. اینجا مسئله دولت نیست. دولت می‌فهمد اما توانمندی اجرایش محدود است. جامعه ما باید باور کند اقتصادش را با منطقه تنیده کند و از همکاری با تاجر افغان و عراقی نترسد. اگر جامعه این را بفهمد، به دولت فشار می‌آورد که قوانین را تسهیل کند. این‌طور نباشد که کامیون‌های یک کشور باید برای عبور از مرز ایران ۴۸ ساعت پشت مرز بماند و برایشان به‌صرفه نباشد و به جای این همه معطلی از شمال جمهوری آذربایجان و گرجستان عبور کنند.

یک مشکل فرهنگی هم هست که در داخل کشور تجارت با تاجر افغان و عراقی برای بازرگان ایرانی خیلی جذاب نیست و آن را اعتبار حساب نمی‌کند.

متأسفانه این‌طور است و بهانه‌مان هم تکنولوژی است. سؤال اساسی من این است؛ ما حدود ۵۰ سال است که صنعتی شده‌ایم، چقدر تکنولوژی در این مدت به ما داده شد؟ تکنولوژی‌ای داده نشد. به هر چه رسیدیم بومی بود. دانش هسته‌ای‌مان بومی بود. در رابطه با نفت به ما تکنولوژی ندادند. پس قبول کنیم تکنولوژی نمی‌تواند همه مشکلاتمان را حل کند. ولی چرخ اقتصاد ما در گردش درون‌منطقه‌ای مداری را به وجود می‌آورد که دیگران وقتی در این مدار می‌آیند، ناچار هستند متأثر از آن حرکت کنند.

بین همسایگان ما و تمدن سابق، کشور یا نمونه‌ای هست که این‌طور با محیط اطرافش کار کند و موفق بوده باشد؟

ترکیه تا حدی این‌طور است. از یک سو با بالکان ارتباط دارد و از سوی دیگر با منطقه قفقاز و آسیای مرکزی. از یک سو با دامنه‌هایی در جغرافیای دنیای عرب که البته قلمرو سابق عثمانی بوده‌اند. ترکیه با این ارتباطات به موفقیت رسیده که نشانه‌هایش را شاهد هستیم. باید ببینیم چه تجربیاتی داشته است. ترکیه هم اصول و ارزش‌های خاص خودش را داشته. ترکیه دیگر از واردشدن به اتحادیه اروپا صحبت نمی‌کند؛ داستانی که این‌همه برایش مذاکره شد و اولویت اصلی دولت‌های بزرگ حتی دولت نخست اردوغان بود. اروپا دیگر برای ترکیه معنا ندارد؛ چون در برابر اروپا قد علم کرده و به آلمان که مهم‌ترین قدرت اروپایی است، باج نمی‌دهد. به خودباوری رسیده. اولویت ترکیه دیگر اروپا نیست، در منطقه کار می‌کند و شرکت‌هایش را گسترش می‌دهد.

نمونه ترکیه اغلب در مفاهیم جامعه‌شناسی سیاسی برای ما به‌عنوان نمونه معرفی می‌شود. نمونه دیگری هم داریم؟

کشور دیگری که می‌توانم در این زمینه نام ببرم، قزاقستان است. قزاقستان توانسته در جغرافیایی نسبتا مهم بین چین و روسیه و در منطقه‌ای عمیقا شکننده؛ یعنی در کنار ازبکستان و تاجیکستان- به دلیل جنبش‌های اسلام‌گرایی و جریان داعش و القاعده و اعتراضات اجتماعی که در آنجا وجود دارد- ثبات خودش را حفظ کرده و توسعه‌اش را تعریف کند. البته قزاقستان، جغرافیای بزرگی هم دارد؛ دست‌کم ما تلاطمی ندیده‌ایم. دولت قزاقستان برخلاف قرقیزستان که چند بار عوض شد، با ثبات و با رفتارها و رویه‌های منطقی و تعریف‌شده است. نه مثل دوران آقای کریمف در ازبکستان مخالف ناگهان و موافق ناگهانی شد، نه مثل کشوری مثل ترکمنستان یا تاجیکستان در روابط با همسایگانش قبض و بسط آن‌چنانی داشت، به طور معقول و از روند معقولی پیروی کرده و جلو می‌رود. قزاقستان در نمونه کوچک‌تر منطقه‌ای؛ ولی در نقطه تقابل دو قدرت چین و روسیه و در شکنندگی ذاتی آسیای مرکزی توانسته ثباتش را حفظ کند.

به‌عنوان محور آخر مصاحبه می‌خواهم بحث متفاوتی را مطرح کنم. شما در تمام این سال‌ها تحرکات داعش را بررسی و تحلیل کردید؛ اگرچه به نظر می‌رسد این گروه کنترل شده؛ اما هنوز تحرکاتش در جای‌جای جهان گزارش می‌شود. نگاه شما درباره وضعیت فعلی داعش چیست؟

تمام تهدیدات ما خارجی و از سوی قدرت‌های بزرگ نیست؛ بلکه بخشی از تهدیدات‌مان منطقه‌ای و از طرف مفاهیمی است که قابلیت بحران‌سازی عمیق را برای‌مان دارد. نمونه‌اش هم داعش است. داعش نمونه روشن یک جنبش فراگیر چندوجهی است که در نوستالژی انسان خاورمیانه‌ای و تصویری که از دوران خلافت و شکوه آن دوره داشتند، تفکر خودش را سوار کرده و یک تجربه زمینی داشت که اگرچه آن تجربه روی خاک قلمرو ندارد؛ اما در فضای رسانه و فکر و اندیشه هنوز پایگاه‌های بزرگی را حفظ کرده. داعش تنها جنبشی است که توانسته از همه شعب، ملل و گروه‌های سیاسی عضو بگیرد (حتی در حمله به مجلس دیدیم از ایران هم عضوگیری کرد و این خیلی تأمل‌برانگیز و دردناک است). آنچه از داعش می‌دانم، این است که داعش بعد از حمله به منطقه باغوز در مرز سوریه و عراق مهار شد؛ آخرین قلمروش که چهار ماه هم مقاومت کرد. داعش بعد از باغوز برای اولین‌بار دوباره خلیفه را به معرض نمایش گذاشت؛ خلیفه‌ای که ادبیاتش فرق کرده بود. اول از همه اینکه دیگر خلیفه از بالای منبر رسول الله (ص) نیست که با مردم صحبت می‌کند؛ بلکه بر کرسی‌ای نشسته با هیبت نظامی و اسلحه‌اش هم کنارش است و چند فرماندهش هم نشسته‌اند، کسی که تصادفا چهره‌اش برخلاف دو فرمانده دیگر، پوشش ندارد؛ ولی صورتش را سولاریزه کرده‌اند؛ اما در قامت، هیکل، چفیه و ریش شبیه کسی است که در نظر اول محمد بن‌سلمان در ذهن انسان نقش می‌بندد و خلیفه بغدادی با این فرد دیالوگ می‌کند. خلیفه بغدادی برای اولین‌بار واژه «جزیره محمد (ص)» را خلق می‌کند و برای عربستان از این واژه استفاده می‌کند.

> **ایران در موقعیت و موضع جغرافیایی فعلی‌اش است که مسیر تردد تروریسم، مهاجر غیرقانونی و مواد مخدر را سد کرده. ضعیف‌کردن این سد با سلاح تحریم یا هرچه که باشد برای کسانی که دارند ضعیفش می‌کنند منفعتی نخواهد داشت. اینکه ایران چه سرنوشتی پیدا می‌کند تجربه تاریخی ما می‌گوید؛ کافی است تاریخ را مرور کنیم**

از جنگ صلیبی صحبت می‌کند، پوشه‌ها را نشان می‌دهد که دیگر نقشه داعشی نیست که سال ۲۰۱۴ منتشر شده که می‌گفت ولایت آناتول، الان دیگر ولایت ترکیه شده و بعد داعش دنیای دیگری را هم تهدید می‌کند. اسم می‌برد از یک سلسله فرماندهان عملیاتی‌اش که کشته شده‌اند و اینها را به جغرافیای‌شان اطلاق می‌کند؛ استرالی، فرانسی، بلژیکی، شیشانی (چچن) و... یعنی جغرافیای عمل خودش را به تعبیری ترسیم می‌کند. وجه دوم تهدید ابوبکر بغدادی متوجه اروپاست. به‌عنوان کسی که با علاقه مسائل داعش را مطالعه می‌کند، فکر می‌کردم که در ویدئویی که از ابوبکر بغدادی منتشر شده، اولا شبیه‌سازی آدمی با محمد بن‌سلمان چه معنایی دارد، ثانیا تهدیدی تا این حد آشکار درباره عربستان یا جزیره محمد (ص) و اروپا چه چیزی پشت پرده دارد؟ کافی است یک بار مناسبات ماه‌های اخیر یا یکی، دو سال اخیر را مرور کنیم. کجاست که دائما عربستان و اروپا را تهدید می‌کند؟ تهدید می‌کند برای گرفتن امتیاز. می‌گوید اگر دو هفته دستم را از روی سرتان بردارم، از بین رفته‌اید، پول بدهید. کیست که به اروپا می‌گوید اگر من از ناتو خارج شوم بدبخت شده‌اید، سهم‌تان را بدهید؟ از نظر من چیزی که در رابطه با داعش دیدم و به نظرم خطرناک‌تر است این است که داعش دقیقا با اهدافی که آمریکا به لحاظ رفتاری در یک سال گذشته نسبت به دو منطقه عربستان و اروپا به کار ببرد به نحو غریبی هم‌سخن و هم‌راستا شده است. نمی‌خواهم بگویم امروز ابوبکر بغدادی در پایگاه آمریکایی این فیلم را ضبط کرده، ولی می‌گویم اشتراک منافعی قریب بین حتی دو دشمن سابق به وجود آمده. این خیلی نگران‌کننده است، چون قلمرو موردنظر اینها هم جغرافیای ماست. آمریکایی‌ها برای اینکه اروپا را مهار کنند باید تهدیدش کنند و این کار را ابوبکر بغدادی به صراحت انجام می‌دهد. امنیت اروپا، تابع آمریکاست و به همان اندازه برای اینکه عربستان را تحقیر کنند تا امتیاز بگیرد. اینجا، هم کارکرد تهدید ایران معنا دارد و هم کارکرد تهدید داعش. تفاوت این است که ایران در کارکردش یک دولت مستقر و مشخص است و به قول ترامپ می‌توانند با هم تلفنی صحبت کنند، اما ابوبکر بغدادی ناپیداست، اما می‌تواند تأثیر بگذارد. اینجاست که اگر نگاه منطقه‌ای داشته باشیم، عامل تهدیدکننده در منطقه این جریان و جنبش است و این جریان با این رفتار که در ویدئوی دوم بغدادی مشاهده شد یا به استخدام آمریکا درآمده یا مثل کسی که در باد آمریکا، خوابیده، فهمیده باید در جهت تهدید آمریکا هم‌راستا شود تا او هم به اندازه خودش بتواند موفق شود.

در این صورت تهدید ایران خیلی جدی‌تر از دوره قبلی داعش می‌شود. اگرچه در این ویدئو گفته نشده.

اگر ایران در موقعیت کنونی‌اش به دلیل تحریم‌ها یا به هر دلیل دیگر دچار ضعف شود، به نظر می‌رسد بهتر است اروپایی‌ها خودشان را برای جنگ صلیبی واقعی آماده کنند، چون این جنبش می‌تواند تمام این منطقه را متأثر کند و ایران تنها جایی است که به دلیل مزیت جغرافیای طبیعی‌اش، مانع چفت‌شدن اتصالات بین جنبش شرقی داعش در ولایت خراسان با جنبش غربی داعش و شیشانی و شامی و جزیره محمدی(ص) است. ایران پل پیروزی در جنگ جهانی دوم است، پل پیروزی در جنگ با تروریسم و قرن آینده است و اگر توجه نشود، پل دسترسی دو اقلیم شرقی و غربی خلافت هم هست. این طبیعت و جغرافیای ماست.

یعنی معتقدید ایران وارد این جنگ صلیبی نمی‌شود؟

گفتم اگر ایران نباشد، غربی‌ها باید آماده جنگ صلیبی با خلافت داعش باشند؛ خلافت داعشی که با ضعف ایران که در نقطه کانونی اتصالات و ارتباطات اجزای این جنبش قرار گرفته، ناگهان می‌تواند خلافت را به صورت واقعی احیا کند. ایران در موقعیت و موضع جغرافیای فعلی‌اش است که مسیر تردد تروریسم، مهاجر غیرقانونی و مواد مخدر را سد کرده. ضعیف‌کردن این سد با سلاح تحریم یا هرچه که باشد برای کسانی که دارند ضعیفش می‌کنند منفعتی نخواهد داشت. اینکه ایران چه سرنوشتی پیدا می‌کند تجربه تاریخی ما می‌گوید کافی است تاریخ را مرور کنیم. ایران در درون خلافت هم که باشد، ایران است، اما یک خلافت برساخته و نوساز، جهتش تکرار تجربه سنتی دوره عباسی نیست که بخواهد با مصر خلافت فاطمی درگیر شود. باید درک کنیم روزی که یک واقعه را فراموش می‌کنیم نباید این فراموشی برای ما گپی را ایجاد کند که نگوییم در دوران گذار چه تحولاتی را طی کرده. خلافت در دنیای اسلام با سقوط خلافت عباسی یا فاطمی یا عثمانی از بین رفت. اگر خلافت دوباره بازسازی شود قرار نیست تجربه‌های قبلی را داشته باشد. اندوخته تجربه‌ای از عهد اموی و عباسی و ایوبی و فاطمی و عثمانی و مسلط بر تمام تکنیک‌ها و ظرایف دنیای مجازی و پروپاگاندا. به همین خاطر است که خلیفه بغدادی که نمی‌دانیم کیست و چیست، در استرالیا و آمریکا با او بیعت می‌کنند و صد نفر را می‌کشند. این نکته را غربی‌ها متوجه نمی‌شوند. آنچه ما را موفق می‌کند، منطقه‌مان است. جهان پیرامون پیوسته به ماست با پذیرش تمام الزاماتی که متعلق به آنهاست، نه‌اینکه بخواهیم الگوی خودمان را اعمال کنیم، باید بپذیریم و در کنار خودمان نگهش داریم. دومین چیزی که ما را در شرایط فعلی نجات می‌دهد این است که بتوانیم در درون این منطقه به همسان‌سازی و الگوسازی مشابه در تمام فاکتورهای فرهنگی، اقتصادی و تمدنی برسیم. سوم، توسعه ما از طریق آوردن تکنولوژی از کره ماه رخ نمی‌دهد، امنیت ما هم از طریق اروپا و آمریکا تضمین نمی‌شود. توسعه و امنیت و چرخ اقتصاد ما در ارتباط با تعاملات درون‌منطقه‌ای می‌چرخد. دو مصداق بارز نشان داد آنچه تحریم‌ها را سوراخ می‌کند منطقه است. ما این‌بار نمی‌خواهیم تحریم را دور بزنیم، چون معنایی ندارد. زمان دورزدن تحریم‌ها تمام شد. مجالی که در تنیده‌شدن اقتصاد افغانستان و عراق به ما اتفاق افتاد، دیگر اجازه نمی‌دهد تحریم‌ها به راحتی گلوی ما را فشار بدهد؛ شاید نفت ما را بگیرد، اما چابهار باز است و عراق هم مستثناست. کسی تحریم‌ها را سوراخ می‌کند که خودش تحریم را وضع کرده. یکی از ویژگی‌های فوق‌العاده ترامپ این است که حتی از تعهدات خودش خارج می‌شود؛ مثل تعهدش با کره شمالی، پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی. خودش از تحریم هم خارج خواهد شد. باور دارم که ترامپ اولین کسی است که از تحریم‌ها خارج خواهد شد و اروپا را جا خواهد گذاشت.

کوتاه دیپلماسی

المانیتور مدعی شد:

سناتور رند پال با ظریف دیدار کرده است

● **شرق:** وب‌سایت خبری- تحلیلی المانیتور در گزارشی مدعی شد، رند پال، سناتور جمهوری‌خواه و ضدجنگ ایالات متحده، در دوران سفر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران، به آمریکا با او دیدار کرده است. طبق این گزارش، پنجشنبه ۱۸ جولای (۲۷ تیر) پال با ظریف درباره چشم‌انداز گفت‌وگوهای ممکن بین ایران و آمریکا صحبت کرده‌اند. المانیتور این گزارش را به نقل از «کارشناسی غیردولتی که با تیم ایران تماس داشته» نقل می‌کند که به شرط مخفی‌ماندن نامش این خبر را به المانیتور داده است اما می‌نویسد، تیم اعزامی ایران، دراین‌باره پاسخی به سؤال این رسانه نداده است.هفته گذشته پولیتیکو افشا کرد، پال در گفت‌وگو با دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیشنهاد داده است که به نمایندگی از او با ظریف دیدار کند و ترامپ نیز این پیشنهاد را پذیرفته است. ترامپ بعد از انتشار این خبر در واکنش‌هایی متناقض، ابتدا در روز پنجشنبه دادنِ چنین مأموریتی به پال را تکذیب کرد اما یک روز بعد تأیید کرد که چنین مکالمه‌ای با این سناتور داشته و به درخواست او پاسخ مثبت داده است. رئیس‌جمهوری آمریکا گفت اگر دیگر سناتورها هم از او چنین درخواستی داشته باشند، ممکن است پاسخ مثبت بدهد.رند پال، سناتور ایالت کنتاکی که روابط نسبتا مثبتی با رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه آمریکا دارد، به مخالفت با اقدامات نظامی و مداخله‌های فرامرزی آمریکا مشهور است. بعد از انتشار این خبر، بعضی از رسانه‌های آمریکا گزارش دادند، تیم ترامپ که اغلب از افرادی حامی اقدام نظامی تشکیل شده است، از پذیرش پیشنهاد پال برای ورود به گفت‌وگو با مقامات ایران، ناراضی هستند.

رئیس اطلاعات پنتاگون:

ایران خواهان جنگ نیست

● **ایسنا:** رئیس اطلاعات پنتاگون با بیان اینکه ایران به دنبال آغاز جنگ نیست، گفت که پیامدهای چنین اتفاقی برای همه فاجعه‌آمیز خواهد بود. به گزارش یاهو نیوز، ژنرال رابرت اشلی، رئیس آژانس اطلاعات وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) در پاسخ به سؤال شبکه سی‌ان‌ان درباره تحولات اخیر در خلیج‌فارس و توقیف نفت‌کش انگلیسی توسط ایران، از پاسخ مستقیم به این پرسش سر باز زد و تأکید کرد که ایران خواهان جنگ نیست. ژنرال اشلی در سخنان خود در نشست سالانه امنیت در اندیشکده آسپن تصریح کرد: ایران نمی‌خواهد جنگی را با آمریکا یا متحدانش آغاز کند. او در ادامه گفت که هیچ‌یک از دشمنان یا رقبای آمریکا، شامل ایران، چین و روسیه نمی‌خواهند جنگی آغاز کنند. نتیجه چنین اتفاقی برای همه فاجعه‌آمیز خواهد بود. رئیس اطلاعات پنتاگون در پاسخ به سؤالی ادعایی مبنی‌بر دست‌داشتن ایران در اقدامات تحریک‌آمیز اخیر در منطقه و همچنین سرنگونی پهپاد متجاوز آمریکایی ازسوی ایرانی‌ها، این حوادث را پاسخی به فشارهای کنونی بر ایران، شامل تحریم‌های اقتصادی و فشار دیپلماتیک دانست و گفت: از نظر من ایران در نقطه عطف قرار دارد. آنچه می‌بینید تلاشی برای شکستن وضعیت کنونی است. او پیش‌تر در گفت‌وگو با فاکس‌نیوز نیز رفتارهای ایران را پاسخ به فشارهای آمریکا دانست و گفت که این اقدامات با خروج آمریکا از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ مرتبط است.

ولادیمیر پوتین: افزایش تنش‌ها به سود هیچ‌کسی نیست

● **ایلنا:** رئیس‌جمهوری روسیه از احتمال تقابل میان ایران و ایالات متحده ابراز نگرانی کرد. به گزارش خبرگزاری تاس، «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه، از احتمال تقابل میان ایران و ایالات متحده ابراز نگرانی کرد. او در گفت‌وگو با «اولیور استون»، کارگردان آمریکایی، این سخنان را بر زبان آورد. پوتین گفت: «از آنجایی که این رویدادها در اطراف مرزهای ما روی می‌دهد، برایمان نگران‌کننده است. این امر می‌تواند وضعیت در اطراف ایران را به بی‌نظمی بکشد و از سوی دیگر به موج جدیدی از پناهجویان می‌انجامد که در نهایت به اقتصاد جهان ضربه می زند و بخش انرژی را هم تحت تأثیر خود قرار می‌دهد». رئیس‌جمهوری روسیه در ادامه گفت: «از توسعه در روابط ایران و آمریکا استقبال می‌کنیم. افزایش تنش‌ها به سود هیچ‌کس نیست. به گمانم آمریکا هم این را می‌داند».

بازدادعاهای معاون رئیس‌جمهوری آمریکا

موسوی: آمریکا از هر فرصتی برای قلب واقعیت استفاده می‌کند

● **ایرنا:** سیدعباس موسوی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در واکنش به ادعاهای معاون رئیس‌جمهوری آمریکا نسبت به سفر محمدجواد ظریف به ونزوئلا گفت: «سفر وزیر امور خارجه ایران به ونزوئلا برای